

ادامه از صفحه ۴

سیل دشتیاری، تکرار مکرر فاجعه

تجربه کشت و صنعت در باهو با سرمایه‌گذاری شرکت ماهان کرمان باید علی‌القاعده برای مدیریت استان سؤال‌برانگیز باشد که چگونه این شرکت با زهکشی و ایجاد حفاظ و سیل‌بند خاکی، موفق شد در همین سیل مخرب از مزرعه چندصدهکتاری خود حفاظت کند و سیل وارد مزرعه موز آن نشود؛ درحالی‌که در همان همسایگی روستاهای کارگران شرکت ویران شدند.

پیشنهادات مشخص

۱- جغرافیای طبیعی منطقه دشتیاری باهو و زرباد و بخش‌های مرتبط با آنها مانند تلنگ به‌صورت طبیعی منطقه‌ای وسیع به طول ۱۵۰ کیلومتر در ۱۰۰ کیلومتر را شامل می‌شود. این یک دشت بزرگ و مسطح است و کمتر کوهپایه‌ای در آن وجود دارد. این دشت آب‌رقی و بسیار مساعد برای رویش درختان میوه گرمسیری نظیر انبه، کنار، خرزهره درختی، زیتون محلی و نیز موز است. این دشت وسیع به‌طور سنتی کم‌آب بوده و در جلال دائمی با سیلاب‌های فصلی و بارش رگباری و مدتی طولانی خشک‌سالی بوده است. معیشت سنتی در این منطقه بر پایه کشت دیم حبوبات و صیفی‌جات و دامداری امکان تداوم داشته است. این شکل از شیوه زیست، دو تجربه برای بقا را شکل داده است:

الف- تکنولوژی ذخیره آب در قالب «هوتک‌های» ناام و غیربهداشتی که هر ساله تعدادی از کودکان هنگام برداشتن آب در آن سقوط کرده و جان خود را از دست می‌داده و هنوز هم می‌دهند.

ب- تکنولوژی پخش هوشاپ در قالب احداث بندهای خاکی و پخش آب در هوشاپ‌ها که بر اثر خشک شدن، محصولات دیمی کاشته می‌شود و زندگی انسانی بر اساس آن امکان تداوم می‌یابد.

اما این دو تجربه در سال‌های اخیر با اجرای طرح‌های عمرانی ضروری نظیر راه‌سازی و احداث سدهای بتنی دچار اختلال شده و عملیاتی شدن این‌گونه طرح‌های عمرانی با مطالعه کافی و متناسب با جغرافیای طبیعی منطقه عملیاتی نشده‌اند. در نتیجه در یک دهه گذشته بارها شاهد آبرفتگی روستاها و تخریب گسترده مزارع و خانه‌های گلی و خشتی شده‌ایم و زندگی عادی مردم را مختل کرده است. راه‌سازی‌های ضروری با پل‌های دقیقاً حساب‌شده همراه نشده و پل‌های باریک توان عبور حجم بالای آب را نداشته و تخریب شده‌اند و پس از هر سیلی نیازمند بازسازی مجددند که مخارج اضافی به کشور تحمیل می‌کند.

طبق برآورد‌های اولیه، تنها در سال‌های اخیر ۱۰ هزار میلیارد تومان خسارت‌های سیل در منطقه بوده که مبلغ کلانی است که اگر همین مبلغ در طول زمان صرف زیرساخت‌های مطالعه‌شده و متناسب با جغرافیای طبیعی در منطقه جنوب بلوچستان می‌شد، حداقل برای سال‌های بعدی از دور باطل تخریب و بازسازی می‌توانستیم تا حد زیادی خارج شویم.

۲- سدسازی بتنی برای مهار آب‌های سیلابی امری ضروری است، ولی کافی نیست؛ به‌ویژه آنکه مدیریت آب در استان در اعمال قدرت و ابتکار برای مدیریت آب از خود‌کندی قابل توجهی نشان داده است. مثلاً عدم راه‌سازی آب سد زیزدان در فصل تابستان که مورد نیاز روستاهای پایین‌دست سد بود، رهاسازی آن هنگام بارش باران‌های رگباری و سرریزشدن سد که فاجعه سیل و تخریب آن را افزایش داد. بنابراین لازم می‌شود در کنار سدسازی‌ها از تکنولوژی بومی زهکشی از طریق احداث بندهای خاکی با بهره‌گیری از تکنولوژی روز و ترکیب بتن و خاک و احداث سرریز آب در نوعی آبخیزداری متناسب با طبیعت دشتیاری اقدام کرد. درعین‌حال، گرفتن ایده از تجربه هوتک‌ها و ذخیره‌سازی آب در ابعاد وسیع‌تر از طریق حفر و خاک‌برداری در چندین مکان مشخص و ایجاد تپه‌های مصنوعی بالاتر از سطح دشت و جمع‌آوری روستاهای کم‌جمعیت در این‌گونه مکان‌ها و احداث شهرک‌های جدید ایمن و با مصالح استاندارد می‌تواند در آینده میزان خسارات را کاهش دهد. البته مشروط بر آنکه خود هوتک‌های ساخته‌شده در ابعاد بزرگ و عمیق، ایمن‌سازی شوند و حصارهای لازم تعبیه شود تا انسان و حیوان نتوانند وارد حریم‌شان شوند. هوتک‌های جدید می‌باید در ترکیبی متناسب از خاک، بتن یا حداقل خاکریز و کشیدن سیم‌خاردار محفوظ شوند. با ذخیره‌سازی آب در این نوع از هوتک‌های بزرگ، می‌توان آب مورد نیاز در فصول خشک را تا حدی جبران کرد و به زندگی در دشتیاری بزرگ سروسامان داد.

۳- تأمین اعتبار بازسازی در یک بازه زمانی مناسب چندین‌ساله موضوع مهمی است و با مدیریتی ضعیف و مستعد فساد نمی‌توان به هدف رسید. لازم است به‌صورت متمرکز و با نظارت کامل، اعتبارات از دو طریق گرفتن تعرفه تجاری در منطقه آزاد ورزیمان و تخصیص اعتبار از محل منابع ملی تأمین شود. شاید لازم باشد ترکیبی از آگاهان محلی و مدیران دولتی، در قالب یک سازمان مستقل، مجری بازسازی دشت بزرگ دشتیاری شوند؛ تجربه‌ای نظیر سازمان دشت مغان که با توفیق نسبی همراه شد.

رنگ‌باختگی احزاب در ۱۱ اسفند



پریسا کدیور

دکترای جامعه‌شناسی سیاسی

در دوازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در حوزه پایتخت و حومه کاندیداهای اصولگرا با پنج لیست «شورای ائتلاف نیروهای انقلاب اسلامی»، «شورای وحدت اصولگرایان»، «ائتلاف فراگیر نیروهای مردمی جبهه انقلاب»، «جبهه پیشرفت رفاه و عدالت» و بالاخره لیست وقت اضافه «ائتلاف امنّا» خود را معرفی کردند. آنچه در وهله نخست به چشم می‌آمد، نام‌های مشترک این فهرست‌ها بود؛ نه‌تنها در میان لیست‌های اصولگرایان، بلکه در فهرست «ائتلاف بزرگ فرهنگیان» افرادی از لیست «صدای ملت» (منتسب به چهار حزب اصلاح‌طلب) در کنار کاندیداهای جبهه پایداری قرار گرفته بودند.

در قواعد جهان‌شمول سیاسی، جریان‌ها و احزاب متعهد به داشتن ماهیت مشخصی هستند که قائم به اهداف و چشم‌انداز مورد نظر، برنامه مدون دستیابی به آنها و تعهد به ارائه دستاورد باشد. با این چارچوب، در رقابت‌های انتخاباتی، این ماهیت احزاب است که به مصاف یکدیگر می‌روند، نه چهره‌ها و شخصیت‌ها. یکی از ملموس‌ترین ویژگی‌های فضای انتخابات اخیر، صرف‌نظر از میزان

هدف از نظام حقوقی پیش‌بینی‌پذیر کردن امور آتی و حصول نظم عقلانی از محل آن است. به عبارتی عدم دستیابی به این اهداف زندگی اجتماعی را دستخوش تلاطم و از هم‌گسیختگی می‌کند. در روزهای گذشته تصویب و ابلاغ مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی با عنوان «خروج تصمیمات و آرای صادره وزارتخانه‌های علوم و بهداشت و سازمان سنجش از شمول صلاحیت دیوان عدالت اداری و سایر مراجع قضائی و تشکیل هیئت‌های عالی تجدیدنظر» توسط رئیس دولت سیزدهم موجی از نگرانی‌ها و دغدغه‌ها را بین مسئولان این مصوبه به‌ویژه دانشجویان از منظر تحدید حق دادخواهی این افراد به وجود آورده است. اگرچه به گفته عباس میرزاحسینی، رئیس مرکز رسانه و روابط عمومی شورای عالی انقلاب فرهنگی، «اولا به خاطر سابقه رویه ۱۵ساله موجود در خصوص اجرای این مصوبه و ثانیا با لحاظ جنبه تخصصی و ویژه مصوبات و آرای وزارتین و النهایه پس از موافقت و تصویب شورای عالی سران قوا این مصوبه به مرحله اجرا گذاشته خواهد شد، اما این ملاحظات نتوانسته‌اند به دغدغه‌های قشر دانشگاهی پاسخ مناسبی دهد و یکی از حقوق بنیادین این اشخاص را در معرض تهدید جدی قرار داده است. مصوبه مذکور از ابعاد مختلف حقوقی دارای نقد است که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱- این استدلال که جنبه الزامی مصوبه مذکور صرفا پس از تصویب شورای عالی سران قوا خواهد بود، استدلالی صحیح نیست؛ چراکه این شورا اصولا فاقد چنین صلاحیتی است. بدین معنا که در مأموریت‌های محوله مقام معظم رهبری به این شورا در اردیبهشت ۱۳۹۷، صرفا تأکید بر هماهنگی سران قوا در موضوعات اقتصادی اشاره شده و فلسفه تأسیس این شورا نیز مقابله با آثار خروج آمریکا از برجام و مقابله با تحریم‌ها بوده است و بنا به برقراری اصل «عدم صلاحیت» در حقوق عمومی، این شورا در دیگر شعبین فاقد صلاحیت است. همچنین باید خاطرنشان کرد، خود مقام معظم رهبری در دیدار با دانشجویان در فروردین‌ماه ۱۴۰۲ در پاسخ به انتقادات وارده بر عملکرد و تصمیمات شورای عالی سران قوا، تذکر دادند که این شورا صرفا در چهار حوزه اقتصادی مشخص که یکی از آنها مباحث مربوطه به امور بود‌جه‌ای کشور است، دارای صلاحیت است؛ بنابراین در دیگر عرصه‌ها قدرت تقنینی و تصمیم‌گیری ندارد. از این رو وقتی به تصریح بانی ششورا، این شورا فاقد قدرت تصمیم‌گیری درخصوص خارج از مأموریت‌های محوله است، چگونه می‌توان انتظار داشت نسبت به تأیید موضوعی که تهدیدی جدی بر حق دادخواهی مردم است اقدام کند؟ اگر شورا را قادر به تصویب مصوبات خارج از صلاحیت بدانیم، مزر توقف این تصمیمات کجاست؟ در این صورت آیا نهادهای مختلف می‌توانند کار ویژه‌های خود را انجام دهند؟

شارکت، آن است که فهرست‌های معرفی‌شده فاقد پشتوانه محتوایی و هویت بودند. به راستی تفاوت‌های ساختاری و فرایندی و برنامه‌های تشکل‌های اصولگرا در چه بود که رأی‌دهندگان را به برگزیدن آگاهانه یکی از آن فهرست‌ها ترغیب کند؟

به نظر می‌آید تنظیم‌کنندگان لیست‌های ائتلافی اصولگرا نه‌تنها دغدغه تدوین برنامه برای توجیه و تشویق رأی‌دهندگان را نداشتند، بلکه درصدد بدیهی‌زدایی از قواعد مورد اجماع نظام‌های دموکراتیک بودند. حضور چهره‌های مشترک و فقدان محتوای متمایز و هویت‌بخش، مؤید این امر است. این رویکرد جریان اصولگرا از یک سو از اطمینان به وفاداری پایگاه اجتماعی که رأی سنتی آنها را حفظ می‌کرد، برمی‌خاست و از سوی دیگر، ناشی از ناامیدی از جلب نظر رأی‌دهندگان خاکستری بود.

در طرف دیگر رقابت دوازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی، اصلاح‌طلبان قرار داشتند که اگرچه به گفته محسن آرمین به دو دسته موافق و مخالف شرکت تقسیم شدند، اما از سال ۹۶ درگیر اثبات نسبت خود با «اصلاح‌طلبی» برای احیای اعتماد بدنه اجتماعی‌شان شده بودند. جریان اصلاحات که از سقف مطالبات خویش در شروع حرکت، به کف مطالبه‌گری در حد «نرمالیزاسیون» در دوازدهمین دوره ریاست‌جمهوری غلغیده بود، به مرور رویکرد ایجابی خود را از دست داد و به موضع دفاعی و سلبی افتاد؛ به نحوی که «اصلاح‌طلبی منفی» (به عاریت از گفتمان آژیژا برلین و معادل‌سازی با «آزادی منفی»‌اش) راهبرد حداقلی نیروهای تکنوکرات جبهه اصلاحات هنگام انتخابات شد.

آنها پیش و بیش از آنکه هدف‌گذاری و برنامه مشخصی ناظر بر مطالبات

چوبین‌سازی پای قانون اساسی

درنگی بر مصوبه بازنگری‌گریزی مصوبات وزارتین



محمد یوسف زاده

پژوهشگر حقوق عمومی

۲- حقوق مدرن مبتنی بر حاکمیت قانون و اصل نظارت‌پذیری است. به عبارتی با حاکمیت قانون، سدی در مقابل حاکمیت اراده‌ها ایجاد می‌شود و با نظارت‌پذیری، اعمال و تصمیمات دولتی مورد کنترل‌های مختلفی از جمله کنترل قضائی قرار می‌گیرند تا از خدشه به حق‌ها و آزادی‌های مردم جلوگیری شود. از این رو رعایت اصل حاکمیت قانون، مقتضی پذیرش ضرورت نظارت قضائی بر همه اعمال اداری است. تحقق ایده حاکمیت قانون، باید در همه سطوح حاکمیت جریان داشته باشد و نظارت قضائی بخش مهمی از وظیفه را به عهده دارد. مصوبه اخیر با گریز بی‌مبنا و بی‌قاعده از این اصل درصدد کنترل‌ناپذیری است تا بتواند دست وزارتین را در تصویب مقرره‌ها و صدور احکام لازم باز بگذارد. از دیگر سو این مصوبه برای تجدیدنظر از احکام صادره وزارتین هیئت عالی تجدیدنظر در هر یک از وزارتین و دانشگاه آزاد اسلامی با ترکیب وزیر علوم، بهداشت و رئیس دانشگاه آزاد اسلامی، دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی، معاون حقوقی وزارتین و بالاترین مقام حقوقی دانشگاه آزاد (عضو و دبیر هیئت، معاون تخصصی ذی‌ربط وزارتین و دانشگاه آزاد، دو نفر از اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی به انتخاب شورا و سه نفر از اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها که حداقل یکی از آنها حقوق‌دان خواهد بود، حسب مورد به انتخاب وزیر ذی‌ربط و رئیس دانشگاه آزاد، تشکیل داده تا معترضان احکام بتوانند در این مراجع نسبت به احکام صادره اعتراض خود را ثبت کنند. آنچه در اینجا محل تامل است این است که چرا و بر چه مبنایی رأی صادره از مرجعی اداری باید صرفا از این هیئت (های) به اصطلاح عالی قابل تجدیدنظر باشد و امکان اعتراض به آن در سایر مراجع قضائی سلب شود؟ نکته عجیب‌تر آنکه این هیئت(ها) فاقد رکن قضائی یعنی بدون حضور قاضی تشکیل می‌شود و چند مقام اداری صرف، نسبت به الفای ماهیت قضائی و قطعی به تصمیمات خود اقدام می‌کنند که صدالبته در تضاد آشکار

شرق



پایگاه اجتماعی اصلاح‌طلبان ارائه دهند، مخاطبانشان را با این وعده که گزینه بهتری از رقیب بودند، پای صندوق می‌کشاندند. به این ترتیب، اصلاح‌طلبی به حزبی انتخاباتی که به صندوق رأی و واکنش‌های هیجانی ناشی از دوقطبی‌سازی رقابتی بسنده می‌کرد، محدود شد.

رویکرد محافظه‌کارانه اصلاح‌طلبی منفی برای آنکه در ساختار قدرت بماند، آشکارا از شفاف‌سازی چشم‌انداز و برنامه‌هایش طفره می‌رفت؛ این امر نه‌تنها ماهیت جبهه اصلاحات را مخدوش کرد، بلکه شکاف غیرقابل‌ترمیمی میان جبهه اصلاحات و خاستگاهش به وجود آورد.

با این اوصاف، اطمینان جریان اصولگرا به التزام عملی و بی‌چون‌وچرای پایگاه اجتماعی‌اش و بی‌مهری خاستگاه جریان اصلاح‌طلب به صندوق رأی موجب شد این دو جریان اصلی سیاسی خود را از تلاش برای ارائه منظومه فکری و عملی به مخاطبانشان مستغنی بدانند. امری که منجر به کم‌رنگ‌شدن شناسنامه احزاب و شکل‌های سیاسی در کشور می‌شود و فضای سیاسی ایران را هرچه بیشتر از تدبیر و سیاست‌ورزی می‌کاهد و به شواف‌گرایی چهره‌ها می‌کشاند.

با اصول و موازین قانونی از جمله اصل قانونی‌بودن جرایم و مجازات‌ها و اصل صدور رأی از دادگاه صالح است.

۳- قانون اساسی به‌عنوان میثاق ملی بین دولت و ملت، حدود روابط این نهادها را مشخص می‌سازد. به عبارتی این سند، از سویی در پی تضمین حق‌ها و آزادی‌های شهروندان است و از سویی دیگر حدود و ثغور دولت را مشخص می‌کند، تا دولت نتواند خودسرانه و در مقامی بالا، آزادی‌های ملت را محدود کند. آنچه این مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی بیانگر آن است، تحدید و تهدید حق دادخواهی تابعین وزارتین است. این مصوبه در تضادی آشکار با بند ۷ (تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون)، ۹ (رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی)، ۱۰ (ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیرضرور) و ۱۴ (تأمین حقوق همه‌جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضائی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون) اصل ۳، فقره آخر اصل ۱۱ (... هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی‌های مشروع را، هر چند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند)، اصل ۳۴ (دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع کند. اعتراضات مردم نسبت به مأمورین یا واحدها با آیین‌نامه‌های دولتی و احقاق حقوق آنها، دیوانی به نام «دیوان عدالت اداری» زیر نظر رئیس قوه قضائیه تأسیس می‌گردد) قانون اساسی است. همچنین این مصوبه در تعارض با بند ۱۱ (اتخاذ تدابیر لازم جهت کاهش فرایند دادرسی و دستیابی سریع و آسان مردم به حقوق خود و بهره‌مندی از حقوق شهروندی در مراجع قضائی) و ۱۵ (اهتمام در ایجاد سازوکار مناسب برای استفاده از تمام ظرفیت‌های قوه قضائیه، مذکور در قانون اساسی و سیاست‌های کلی نظام) سیاست‌های کلی قضائی ابلاغی مقام معظم رهبری است. بنابراین با تناقضات آشکار این سؤال مهم مطرح است که شورای عالی انقلاب فرهنگی، چگونه می‌تواند نسبت به تصویب مصوبه‌ای متعارض با اسناد بالادستی نظام حقوقی کشور باشد و آن را در قالب نهجاری حقوقی بر تابعان حقوق اعمال کند؟

آگهی عدم تسلیم سند مالکیت مورث
<div><div><div><div><div><div></div></div></div><div><div><div></div><div></div></div></div><div><div><div></div><div></div></div></div><div><div><div></div></div></div></div></div></div> <div>یک قطعه آپارتمان مسکونی نوع ملک طلق با کاربری مسکونی به پلاک ثبتی ۵۹۴۶ فرعی از ۲۸ اصلی، مفروز و مجزا شده از ۵۸۹۶ فرعی از اصلی مذکور ، قطعه ۵ تفکیکی واقع در بخش ۱۱ ناحیه۰۰حوزه ثبت ملک قلهک تهران استان تهران به مساحت ۱۱۰.۱۲ متر مربع ، واقع در سمت شمالی طبقه سوم که (۵۸ / ۱۶) شازنده متر و پنجاه و هشت دسیمتر مربع آن پیشرفتگی در دو قسمت، (۲/۳۴) دو متر و سی و چهار دسیمتر مربع آن بالکن و بالکن پیشرفته است .</div>
<div><div><div><div><div><div></div></div></div><div><div><div></div><div></div></div></div><div><div><div></div></div></div></div></div></div> <div>مشخصات منضمات ملک : انباری مسکونی قطعه ۵ به مساحت ۴.۹۴ متر مربع واقع در سمت شرقی زیرزمین یک پارکینگ مسکونی قطعه ۷ به مساحت ۱۰.۸ متر مربع واقع در طبقه سمت جنوبی همکف</div>
<div><div><div><div><div><div></div></div></div><div><div><div></div><div></div></div></div><div><div><div></div></div></div></div></div></div> <div>مشخصات مالکیت: مالکیت مریم / معصومی فر فرزند مجید شماره شناسنامه ۰۰۱۷۵۶۲۱۱۲ تاریخ تولد ۱۳۷۳.۰۷.۱۴ صادره از تهران دارای شماره ملی ۰۰۱۷۵۶۲۱۱۲ با جز سهم ۲.۹۴ از کل سهم ۶ بعنوان مالک دو ممیز نود و چهار صدم دانگ مشاع از شش دانگ عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۲۷۸۵۵ تاریخ ۱۴۰۲.۰۵.۱۰ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۱۵۶۵ شهر تهران استان تهران موضوع سند مالکیت اصلی بشماره جایی ۱۷۹۴۱۹ ثبت گردیده است.</div>
<div><div><div><div><div><div></div></div></div><div><div><div></div><div></div></div></div><div><div><div></div></div></div></div></div></div> <div>مالکیت مجید / معصومی فر فرزند حسین آقا شماره شناسنامه ۲۸۶ تاریخ تولد ۱۳۳۶.۰۷.۰۱ صادره از اراک دارای شماره ملی ۰۵۳۲۸۴۰۹۶۸ با جز سهم ۳.۰۶ از کل سهم ۶ بعنوان مالک سه ممیز شش صدم دانگ مشاع از شش دانگ عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۲۳۳۷۶ تاریخ ۱۴۰۱.۰۹.۲۹ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۹۹۷ شهر تهران استان تهران ۱۷۹۴۱۹ ثبت گردیده است.بموجب دادنامه حصر وراثت بشماره ۰۰۹۹۷۱۲۶۰۱۰۹۹۱۳۹۹-۱۳۹۹.۱۱.۴ شعبه ۲۶۰۱ شورای حل اختلاف شماره ۲۷ تهران شادروان مجید معصومی فوت نموده و وراث حین الفوت وی عبارت است از فاطمه تقی پور همسر متوفی و حسین آقا معصومی پدر متوفی و پروین ساداتی مادر متوفی و مریم معصومی فر دختر متوفی سپس بموجب دادنامه حصر وراثت بشماره ۰۰۴۴۴۷۶۸۰-۰۹۱۳۹۰۰۴۰۰۱۶ حسین آقا معصومی فوت نموده و وراث حین الفوت وی عبارت است از پروین ساداتی همسر متوفی و حمیدرضا و سعید و وحید و معصومه شهرت همگی معصومی فر فرزندان متوفی</div>
<div><div><div><div><div><div></div></div></div><div><div><div></div><div></div></div></div><div><div><div></div></div></div></div></div></div> <div>خانم مریم معصومی فر احد از وراث تقاضای صدور سند مالکیت مشاعی نسبت به سهم الارث خود از پلاک مذکور را نموده و اعلام داشته که اصل سند مالکیت پلاک مذکور در اختیار خانم پروین ساداتی میباشد که از تسلیم آن خودداری مینماید بر این اساس وفق تبصره ۳ ماده ۱۲۰ آئین نامه اصلاحی قانون ثبت مراتب طی اخطار اداری به مشارالیها اخطار تا ظرف مدت ۱۰ روز اصل سند مالکیت را جهت اخبار ارائه نماید لیکن پاسخی واصل نگردیده و سوابق حکایتی از ارائه سند مالکیت ندارد لذا بدینوسیله وفق بخش دوم تبصره فوق الذکر مراتب یک نوبت آگهی و اخطار مینماید چنانچه دارنده و یا دارندگان سند مالکیت پلاک مذکور بدون مجوز قانونی ظرف مهلت ده روز از تاریخ انتشار این آگهی سند مورد مطالبه را تسلیم ننمایند به نسبت سهم الارث متقاضی سند مالکیت مشاعی صادر و تسلیم خواهد گردید.محدودیت سه مورد بازداشت دائم بموجب دستور شماره ۰۰۳۰۱۹۰۱۵۸۰۱۳۹۹۰۳۰۲۵ مورخ ۱۳۹۹.۰۳.۲۵ صادره از اداره پنجم اجرای اسناد رسمی تهران به نفع / برای مالکیت مجید معصومی فر بازداشت میشود بموجب دستور شماره ۰۰۴۵۴۱-۰۱۵۸۰۱۳۹۹ مورخ ۱۳۹۹.۰۴.۳۱ صادره از اداره پنجم اجرای اسناد رسمی تهران به نفع و برای مالکیت مجید معصومی فر بازداشت میباشد بموجب دستور شماره ۰۰۶۷۰۱۵۸۰۱۳۹۹ مورخ ۱۳۹۹.۰۶.۱۸ صادره از اداره پنجم اجرای اسناد می تهران به نفع / برای مالکیت مجید معصومی فر بازداشت می باشد. رئیس حوزه ثبت ملک قلهک تهران م الف ۱۷۰۰۸</div>

پیش نویس آگهی فقدان سند مالکیت
<div><div><div><div><div><div></div></div></div><div><div><div></div><div></div></div></div><div><div><div></div></div></div></div></div></div> <div>آقای محمد نجاریان الیهی با تسلیم استشهادیه گواهی شده شماره ۷۸۲۳۷ مورخ ۱۴۰۲/۱۱/۳۰ دفتر اسناد رسمی شماره ۹۰ تهران طی درخواست وارده به شماره ۰۴۹۰۲۶۴۲۲ مورخ ۱۴۰۲.۱۲.۱۲ تقاضای صدور سند المثنی یک قطعه آپارتمان نوع ملک طلق با کاربری به پلاک ثبتی ۲۳۵ فرعی از ۳۷۶۰ اصلی ، مفروز و مجزا شده از ۸۳ فرعی از اصلی مذکور ، قطعه ۵ در طبقه ۲ واقع در بخش ۰۳ ناحیه ۰۰ حوزه ثبت ملک ولیعصر تهران استان تهران به مساحت ۱۰۹.۵۱ متر مربع که مقدار ۱۲.۵۳ متر مربع آن پیشرفتگی بطرف خیابان جمهوری اسلامی میباشد ، مالکیت محمد /نجاریان فرزند حسین شماره شناسنامه ۸۳۲۱ تاریخ تولد ۱۳۶۱.۰۶.۱۳ صادره از تهران دارای شماره ملی ۰۰۷۲۰۶۰۵۵۷ با جز سهم ۶ از کل سهم ۶ بعنوان مالک شش دانگ عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۰۲۱۷۳۱ تاریخ ۱۴۰۰.۱۱.۱۹دفتر خانه اسناد رسمی شماره ۹۰ شهر تهران استان تهران موضوع سند مالکیت اصلی بشماره چاپی ۸۸۱۳۲۵ سری ج سال ۰۰ با شماره دفتر الکترونیکی۰۰۴۹۰۳۰۱۰۱۲۰۳ ثبت گردیده است. محدودیت: محدودیت دفتر املاک: رهنی شماره ۴۳۹۷۴ مورخ ۱۴۰۱.۱۱.۰۸ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۱۰۴۸ شهر تهران استان تهران که بنفع شرکت تهیه و توزیع قطعات و لوازم یدکی ایران خودرو به مبلغ ۲۵۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال به مدت ۰ سال ثبت شده . بعلت جابجائی مفقود گردیده، تقاضای صدور المثنی سند مالکیت پلاک مذکور را نموده است در اجرای ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت اصلاحی ۰۸.۱۱.۰۸ مراتب در یک نوبت آگهی میشود تا چنانچه شخص یا اشخاصی مدعی انجام معامله نسبت به ملک مرقوم یا وجود سند مالکیت نزد خود باشند ظرف مدت ۱۰ روز پس از انتشار این آگهی اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله به این اداره تسلیم و رسید در یافت نمایند بدیهی است در صورت انقضاء مهلت مقرر و عدم وصول اعتراض و یا در صورت اعتراض اصل اسناد مالکیت یا سند معامله ارائه نگردد طبق مقررات المثنی سند مالکیت صادر و تسلیم خواهد شد.م الف ۱۷۰۰۵ سرپرست حوزه ثبت ملک ولیعصر تهران</div>
<div><div><div><div><div><div></div></div></div><div><div><div></div><div></div></div></div><div><div><div></div></div></div></div></div></div> <div>آگهی فقدان سند مالکیت</div>
<div><div><div><div><div><div></div></div></div><div><div><div></div><div></div></div></div><div><div><div></div></div></div></div></div></div> <div>نظر به اینکه خانم مونس بختیاری فرزند علی با تسلیم دوبرگ استشهادیه محلی مصدق شده طی شماره ۱۹۱۶-۱۴۰۲.۱۲.۰۷ توسط دفترخانه اسناد رسمی شماره ۱۳۳۱ تهران منضم به تقاضای وارده ۰۳۳۳۷۸۰۲۰۳ مورخ ۱۴۰۲.۱۲.۰۷ مدعی فقدان یک جلد سند مالکیت بشماره جایی ۵۹۳۱۵ سری الف سال ۸۲ شده و تقاضای صدور المثنی سند مالکیت ملک با مشخصات ذیل را نموده است:</div>
<div><div><div><div><div><div></div></div></div><div><div><div></div><div></div></div></div><div><div><div></div></div></div></div></div></div> <div>۱- نام و نام خانوادگی مالک: مونس بختیاری فرزند علی ۱۸۵۳ شماره شناسنامه ۴۷۵۶۸ تاریخ تولد ۱۳۳۷.۰۹.۰۶ صادره از تهران دارای شماره ملی ۰۰۴۸۶۹۲۴۰۹ بعنوان مالک شش دانگ عرصه و اعیان</div>
<div><div><div><div><div><div></div></div></div><div><div><div></div><div></div></div></div><div><div><div></div></div></div></div></div></div> <div>۲- شماره پلاک : پلاک ثبتی شماره ۲۷۴۴۰ فرعی از ۱۳۳ اصلی</div>
<div><div><div><div><div><div></div></div></div><div><div><div></div><div></div></div></div><div><div><div></div></div></div></div></div></div> <div>۳- علت غمت شدن :جابجائی</div>
<div><div><div><div><div><div></div></div></div><div><div><div></div><div></div></div></div><div><div><div></div></div></div></div></div></div> <div>۴ - خلاصه وضعیت ملک : ششدانگ یک قطعه آپارتمان نوع ملک طلق به پلاک ثبتی ۲۷۴۴۰ فرعی از ۱۳۳ اصلی، مفروز و مجزا شده از ۲۳۳۵۸ فرعی از اصلی مذکور ، قطعه ۳ در طبقه ۲ واقع در بخش ۱۱ تهران به مساحت ۱۱۵.۶۷ متر مربع که مقدار ۱.۱۲ مترمربع آن بالکن است بانضمام انباری قطعه ۳ به مساحت ۱.۸۰ و پارکینگ قطعه ۳ به مساحت ۱۱ که با شماره مستند مالکیت ۲۶۵۱۱ مورخ ۱۳۸۳.۱۱.۲۰ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۱۹۳ شهر تهران۴ ذیل شماره ۱۲۰۴۶۹ در صفحه ۴۰ دفتر ۴۱۵ املاک جایی ۵۹۳۱۵ بنام مونس بختیاری ثبت گردیده است.علیحال مراتب فوق در اجرای ماده ۱۲۰ آئین نامه اجرایی قانون ثبت فقط در یک نوبت آگهی میشود تا چنانچه کسی مدعی انجام معامله نسبت به ملک مرقوم و یا وجود سند مالکیت نزد خود میباشد از تاریخ انتشار این آگهی ظرف مدت ۱۰ روز اعتراض خوفا را کتبا به ضمیمه اصل سند مالکیت به این واحد ثبتی تسلیم نماید تا مورد رسیدگی قرار گیرد بدیهی است به اعتراض وارده بدون ارائه اصل سند مالکیت تر ثبت اثر داده نخواهد شد و اصل اسناد مالکیت پس از ملاحظه به ارائه دهنده اعاده خواهد شد. در صورت عدم وصول اعتراض طرف مهلت مقرر قانونی، سند مالکیت المثنی نسبت به پلاک مذکور صادر و به متقاضی تسلیم خواهد گردید.م الف ۱۷۰۰۷</div>
<div><div><div><div><div><div></div></div></div><div><div><div></div><div></div></div></div><div><div><div></div></div></div></div></div></div> <div>رئیس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کن تهران</div>